

(مقاله پژوهشی)

فرصت‌های حقوقی اعمال زور توسط نیروی دریایی در زمان جنگ به عنوان یک ضرورت آموزشی در تدوین راهبرد قدرت دریایی

علی عبدالله حبیب نوری^۱، مسعود راعی دهقی^۲، محمد کاظم عماد زاده^۳

چکیده

خسارت‌های وارده به جامعه جهانی ناشی از دو جنگ جهانی، جهان را واداشت تا استفاده از زور را در روابط بین‌المللی منع نمایند. اصلی‌ترین ممنوعیت در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است. اما بر این ماده استثنائاتی وارد شده است. با بررسی استثنائات وارده می‌توان موارد ممکنه اعمال زور را مشخص کرد. یکی از فضاهای اعمال زور، حوزه دریاها می‌باشد. نیروهای دریایی از جانب کشورهای خود در عرصه دریاها به اعمال قدرت می‌پردازند. مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که فرصت‌های حقوقی اعمال قدرت در عرصه دریاها در زمان جنگ چیست؟ فرصت‌های اعمال زور نیروی دریایی که می‌توانند به عنوان مستثنیات منع کاربرد زور در حقوق بین‌الملل محسوب گردند و آموزش آن در تدوین راهبردهای قدرت دریایی ضروری است. با بررسی اسناد حقوق بین‌الملل، گونه‌های مجاز اعمال زور توسط نیروی دریایی در زمان جنگ مشخص گردید که می‌توانند از انجام محاصره دریایی، دفاع مشروع و بمباران دریایی و غیره را شامل شوند. روش تحقیق این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و با تحلیل معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اعمال زور، نیروی دریایی، استثنائات منع کاربرد زور، راهبرد قدرت دریایی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۴/۲۳

- ۱ - دانشجوی دکترا گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
- ۲ - دانشیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول: masoudraei@yahoo.com)
- ۳ - دانشیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مقدمه

کشورها در اعمال اقتدار دریایی و تعیین راهبرد قدرت دریایی خود باید قواعد حقوق جنگ و حقوق بشر دوستانه را رعایت کنند. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد استفاده از زور و قدرت را منع کرده است اما این ماده در مواردی مشمول استثنائاتی شده است. استثنائات این ماده یکی از ظرفیتهای و فرصتهایی است که حقوق بین‌الملل جواز کاربرد زور را به یک کشور می‌دهد. اما مسأله پژوهش حاضر این است آیا در حقوق بین‌الملل فرصتهایی برای کاربرد زور و قدرت در سطح بین‌المللی پیش روی نیروی دریایی کشورها در زمان صلح نهاده شده است تا بخشی از راهبرد قدرت دریایی خود را بر آن بنا نهند؟ این فرصتها کدامند؟ فرض ما بر این است که حقوق بین‌الملل فرصتهایی برای اعمال زور توسط نیروی دریایی در زمان جنگ ارائه می‌دهد که آموزش آن در تدوین راهبردهای قدرت دریایی ج.ا.ایران ضروری است. این فرصتها مواردی همچون اعلام مناطق جنگی دریایی، محاصره دریایی، بمباران دریایی و ... را دربرمی‌گیرند. از محدودیتهای پژوهش کمبود منابع فارسی و بین‌المللی جامع در این خصوص و همچنین عدم وجود یا عدم دسترسی به اطلاعات جامع مربوط به راهبردها و عملیات صورت گرفته نیروی دریایی ج.ا.ایران می‌باشد.

در موضوع مقاله حاضر تاکنون چه در داخل و چه در خارج، هیچ مقاله‌ای نگاشته نشده است. اما در سالهای اخیر نویسندگانی در موارد مختلف به موضوع قدرت دریایی پرداخته‌اند از جمله:

- جیمز کراسکا، ۱۲۰۰۹

جیمز کراسکا استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه نیروی دریایی آمریکا در این مقاله به روش اسنادی و تحلیل کیفی به بررسی سند راهبرد قدرت دریایی آمریکا در قرن بیست یکم پرداخته و موارد لحاظ حقوق بین‌الملل و لزوم رعایت آن را در این سند متذکر شده است.

- چارلز مور، ۲۰۱۱

نویسنده در این مقاله، به موضوع قدرت دریایی آمریکا در قرن حاضر پرداخته و راهبرد همکاری را به منظور حفظ برتری در قدرت دریایی لازم دانسته است. باز هم در این نوشتار به چارچوبه‌های حقوق بین‌الملل و فرصتهای آن در موضوع تعیین راهبرد قدرت دریایی توجهی نشده است.

- اریک گراتزک، ۲۰۱۵

نویسنده مقاله شواهدی بر تأثیر قدرت دریایی بر سیاست، به روش اسنادی و تحلیل کیفی دلایلی را بر تأثیر قدرت دریایی در سیاست‌های جهانی و داخلی کشورها ارائه کرده است که موضوع چارچوبه‌های حقوقی بین‌المللی در آن مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

در هیچیک از مقالات فوق به فرصتهای حقوقی بین‌المللی در اعمال زور توسط نیروی دریایی در زمان جنگ پرداخته نشده است در حالی که در پژوهش حاضر به تفصیل به موضوع موارد مجاز کاربرد زور در سطح بین‌المللی در زمان جنگ در عرصه دریاها پرداخته شده است.

با توجه به مرزهای وسیع دریایی کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان و اهمیت بسیار آن در حیات اقتصادی و دفاعی و نظر به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر راهبردی بودن نیروی دریایی، تعیین فرصتهای اعمال زور دریایی در زمان جنگ براساس قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند مورد توجه تدوین‌کنندگان راهبرد قدرت دریایی قرار گیرد. نوع مطالعه توصیفی و تحلیلی بوده و به روش تحلیل محتوای اسناد و منابع معتبر حقوقی و بین‌المللی به بررسی سؤال پژوهش پرداخته شده است.

1 - Kraska, James (Summer 2009). GRASPING "THE INFLUENCE OF LAW ON SEA POWER, Naval War College Review, Vol. 62, No. 3

2 - Charles C. Moore II, (Summer 2011). Revitalizing the Cooperative Strategy for 21st Century Seapower, Parameters, Mississippi

3 - Gartzke, Erik (2015). Evidence of the Influence of Seapower on Politics, EMC Chair Conference Paper, University of California, San Diego. CHEAH Wui Ling

تعاریف مفاهیم**فرصت^۱**

در فرهنگ دهخدا به معنی نوبت، موقع، مجال (دهخدا ۱۳۷۷) و در دیکشنری وبستر به معنی یک شانس خوب برای پیشرفت و ترقی (وبستر، ۲۰۰۴، ۸۷۰) آمده است اما در این پژوهش منظور پژوهشگر از فرصت‌های حقوقی بین‌المللی، جوازها و مجالهایی است که قواعد بین‌المللی در اختیار سیاستمداران و تصمیم‌سازان قرار می‌دهند تا راهبرد قدرت دریایی کشور خود را مشخص نمایند.

قدرت دریایی^۳

بطور کلی «این مفهوم بر افزایش استخراج از منابع دریایی، ارتقاء اقتصاد دریایی، حفاظت از محیط اقتصادی دریایی، حفظ حاکمیت ملی دریایی، و حفظ حقوق و منافع ملی در دریا دلالت دارد (ژیائویان، وو، ۲۰۱۴، ۸)». به عبارتی قدرت دریایی عبارتست از قدرت نیروی دریایی و مرزبانی دریایی، صنایع نظامی و غیرنظامی دریایی و سهم قدرت نیروهای زمینی و هوایی تا جایی که به دریا مربوط شود. (ایلیوپولوس، ایلیاس، ۲۰۰۹، ۵).^۴ در این پژوهش نیز منظور از قدرت دریایی همین تعریف اخیر است.

راهبرد^۶

«استراتژی عبارتست از هنر (و روش‌های) به کارگیری تمام عناصر قدرت یک ملت یا گروهی از ملتها، برای تحقق اهداف آنها در زمان صلح و جنگ» (حافظ نیا ۱۳۸۵، ۲۵۵). استراتژی می‌تواند نظامی باشد یا کلان. استراتژی نظامی خشونت یا تهدید به خشونت را پیش بینی می‌کند و در جستجوی دستیابی به پیروزی با استفاده از نیروهای نظامی است. استراتژی کلان اگر موفقیت آمیز باشد هرگونه نیاز به خشونت را از بین می‌برد و نه تنها به ظرفیافتن بلکه به صلح پایدار نگاه می‌کند (لطفیان ۱۳۸۷، ۲۳). می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد قدرت دریایی، هنر و روشهای بکارگیری تمام عناصر قدرت دریایی یک ملت یا گروهی از ملتها به منظور اعمال اراده ملی و اهداف خود در درون مرزها و در ورای مرزها در زمان جنگ و صلح می‌باشد. در این پژوهش منظور از راهبرد قدرت دریایی، همان راهبرد قدرت نظامی دریایی است و فرصت و مجال تحقیق در خصوص استراتژی کلان در این پژوهش نمی‌گنجد.

معیارها و قواعد قابل اعمال در کاربرد زور و قدرت و انجام عملیات نظامی دریایی

استثنائات مربوط به منع توسل به زور را می‌توان در دوسته استثنائات منشوری و استثنائات غیرمنشوری مشاهده کرد. استثنائات منشوری استثنائاتی هستند که در خود منشور ملل متحد ذکر شده اما استثنائات غیرمنشوری استثنائاتی هستند که در سایر اسناد بین‌المللی غیر از منشور ملل متحد لحاظ شده‌اند. استثنائات منشوری شامل دفاع مشروع فردی و دسته جمعی مندرج در ماده ۵۱ منشور، اختیارات شواری امنیت در اعمال زور در حفظ و اعاده صلح مندرج در ماده ۴۱ و ۴۲ منشور، و حق نهضت‌های آزادی‌بخش ملی در کاربرد کلیه امکانات ضروری و توسل به معاضدت بین‌المللی جهت مبارزه مشروعشان علیه استعمار و رژیم‌های نژادپرست یا اشغال بیگانه مندرج در بند ۲ و ۳ ماده ۱ منشور می‌باشند که به منظور جلوگیری از اطاله مطلب از تشریح آنها خودداری می‌شود.

- 1 - Opportunity
- 2 - Webster
- 3 - Sea power (Maritime power)
- 4 - Xiaoyan, Wu
- 5 - Iliopoulos
- 6 - Strategy

استثنائات غیرمنشوری نیز در مورد حق مداخله یک دولت برای حمایت از اتباع خود در یک کشور دیگر، و حق مداخله بشردوستانه یک دولت خارجی برای حمایت از اتباع یک کشور دیگر تحت عنوان مسؤولیت حمایت، مبارزه علیه تروریسم، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی نمود پیدا می‌کند. حق مداخله یک دولت برای حمایت از اتباع خود در یک کشور دیگر به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است. چنین عملیات نظامی قابل توجیه نیست مگر اینکه دولتی که اتباع مربوطه در آن اقامت دارند، نتواند و یا نخواهد حمایت از آنان را تضمین کند. انجام عمل وفقدان اعتراض نسبت به آنها نشانه این ادعاست که یک استثنا به ماده ۲ بند ۴ بوده، استثنایی که در تعریف سنتی دفاع مشروع نمی‌گنجد. از جمله این گونه مداخلات می‌توان از عملیات بلژیک در کنگو در ۱۹۶۰، و اقدام نظامی بریتانیا در سیرالئون در سال ۲۰۰۲، یاد کرد. همچنین دکترین مداخله بشر دوستانه (مسؤولیت حمایت) بعنوان یک استثنای خارج از منشور عبارت است از حمایت از اتباع یک دولت ثالث و نه حمایت از اتباع خود. این دکترین سعی می‌کند مشروعیتی برای توسل به زور در مورد نقض‌های گسترده و فاحش حقوق بشر بدون رضایت حکومت دولتی که در آن مداخله انجام می‌شود و بدون اجازه شورای امنیت، فراهم کند (شریجور، نیکو، ۲۰۰۵).^۱ کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۰ در گزارش هزاره خود به مجمع عمومی به طور مستقیم وارد بحث «مسؤولیت حمایت» شد (سند شماره A/54/2000 ملل متحد، ۲۰۰۰).^۲ این مفهوم در گزارش هیئت عالی رتبه دبیرکل، که در سال ۲۰۰۴ با عنوان «جهانی امن‌تر، مسؤولیت مشترک ما» ارائه گردید، بیشتر جای خود را باز کرد (سند شماره A/59/565 ملل متحد، ۲۰۰۴).^۳ در گزارش سال ۲۰۰۵ دبیر کل آمده است: «اگر مسئولان ملی قادر نیستند یا نمی‌خواهند از شهروندان خود حفاظت کنند، آنگاه این مسؤولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود تا برای کمک به حمایت از حقوق بشر و رفاه مردم، از شیوه‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و... استفاده کنند. زمانی که چنین شیوه‌هایی ناکافی به نظر برسد، شورای امنیت ممکن است از روی ضرورت تصمیم بگیرد بر اساس منشور ملل متحد به اقدام، از جمله در صورت لزوم به اقدام اجباری دست بزند» (سند شماره A/59/2005 ملل متحد، ۲۰۰۵).^۴ در همان سال، در سند نهایی اجلاس سران، در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹، دولت‌ها در سه محور با این مفهوم موافقت کردند: ۱- مسؤولیت حمایتی دولت‌ها در حمایت از اتباع خود در قبال نسل کشی، پاکسازی قومی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، ۲- کمک‌های بین‌المللی برای ارتقای ظرفیت‌ها، یعنی کمک جامعه بین‌المللی به دولت‌ها در اعمال این مسؤولیت و ۳- پاسخ به موقع و قاطع جامعه بین‌المللی در مواردی که دولت مربوطه ناتوان از پاسخگویی به این وضعیت است (قطعه‌نامه شماره A/60/L.1 مجمع عمومی ملل متحد، ۲۰۰۵).^۵ صدور جواز حمله به لیبی توسط شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۷۷ این شورا، با هدف حفاظت از غیرنظامیان در برابر حملات نیروهای دولتی این کشور، یکی از نقاط اوج تمسک به دکترین مسؤولیت حمایت است (ممتاز و صابری انصاری، منع توسل به زور ۱۳۹۱، ۱۹۳-۱۹۴).

با این تفاسیر می‌توان گفت که مطابق با استثنائات پیش گفته امکان کاربرد زور توسط دولت‌ها وجود دارد و در این راستا نیروی دریایی از جانب دولت خود قادر خواهد بود در مواردی به اعمال زور و قدرت مبادرت ورزد.

جلوه‌های مجاز کاربرد زور در دریا در زمان جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل

دفاع مشروع

حق دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور ملل متحد تشریح شده است که می‌گوید: در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند... (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵، ماده ۵۱).^۶ ماده ۵۱ منشور

- 1 - SCHRIJVER, Nico
- 2 - UN Doc No A/54/2000
- 3 - UN Doc A/59/565
- 4 - UN Doc. A/59/2005
- 5 - UN General Assembly Resolution
- 6 - United Nations Charter

استثنایی بر بند ۴ ماده ۲ منشور محسوب می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی سال ۱۹۹۶ در قضیه قانونی بودن تهدید یا کاربرد سلاحهای هسته‌ای می‌گوید: دیوان نمی‌تواند چشم خود را بر حق بنیادین دولتها برای بقا ببندد و از این روی هر گاه بقای کشوری در خطر باشد مطابق ماده ۵۱ منشور حق متوسل شدن به دفاع مشروع را دارد (نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۹۶، ۲۶۳).^۱ اما شرایط افراطی دفاع مشروع - وقتی که بقای یک کشور به مخاطره افتاده است - گهگاهی به وجود می‌آید، در حالی که اعمال دفاع مشروع به هیچ وجه محدود به چنین سناریوهای فاجعه آمیزی نیست (یورام، دینستین، ۲۰۱۲، ۴۹۴).^۲

متن ماده ۵۱ منشور منوط به عبارت «حمله مسلحانه» است. طراحان منشور با بکارگیری لفظ حمله مسلحانه در ماده ۵۱ نشان دادند که تهدیدهای صرف فراتر از حدود این ماده است (یورام، دینستین، ۲۰۱۲، ۵۱۲). مسئله اصلی این است که امروزه استفاده پیشگیرانه از زور در پاسخ به تهدیدات صرف به جای یک حمله مسلحانه، در تطابق با متن ماده ۵۱ منشور نخواهد بود (رزاک، دیوید، ۲۰۰۲، ۲۲۳، ۲۲۳).^۳ حتی طرفداران دفاع پیشدستانه^۴ مجبور هستند تصدیق کنند که این نوع دفاع ممکن است بر پایه انتظارات غلط باشد، و از این روی موجب استفاده از زور علیه حملات احتمالی مسلحانه ای شود که ممکن است صورت واقعی به خود نگیرند (ام. سی. واکسمن، ۲۰۰۹).^۵ حقیقت این است که اجرای واقعی دفاع مشروع اغلب آینده گراست، که به دنبال متوقف کردن اعمالی است که همچنان در حال وقوع است (سین. دی. مورفی، ۲۰۰۵، ۷۳۴، ۷۳۳).^۶

دفاع مشروع باید ضرورت داشته باشد، یعنی آن که دفاع مشروع زمانی می‌تواند انجام شود که راههای دیپلماتیک و غیر نظامی جهت رفع تجاوز وجود نداشته باشد. میان حمله و دفاع، باید تناسب وجود داشته باشد. بنابراین، نباید دفاع در برابر یک درگیری کوچک مرزی به تخریب عمده در کشور متجاوز منتهی گردد. دفاع بایستی فوری بوده و با سرعت، متعاقب تجاوز صورت گیرد. بنابراین، چنانچه تجاوز انجام و پایان گرفته باشد، و دفاع مدتی پس از آن صورت گیرد، دفاع مزبور مشروع تلقی نخواهد شد، بلکه اقدام تلافی جویانه محسوب می‌گردد، اطلاع رسانی به شورای امنیت، شرط پنجم دفاع مشروع است (دانشنامه حقوق بین الملل، ۱۹۸۲).^۷ نبایستی دامنه دفاع مشروع را با تفسیر موسع، آن چنان افزایش داد که به ابزاری برای توجیه جنگ ناعادلانه تبدیل شود. پر واضح است که چنین تفسیری بر خلاف اهداف منشور سازمان ملل متحد خواهد بود (ابراهیمی ۱۳۸۲، ۹۸-۱۰۰). در وضعیت دفاع مشروع یک کشور ممکن است از زمین، هوا و دریا به دفاع از خود در برابر متخاصم بپردازد. از این رو دفاع مشروع می‌تواند در دریا و توسط نیروهای دریایی کشورهای متخاصم صورت پذیرد. دفاع مشروع از نگاه دولت مورد تهاجم واقعیت پیدا می‌نماید و در وضعیت دفاع، این رزمندگان هستند که حق جنگیدن دارند. رزمندگان در جنگ دریایی وابسته به کشتیهای جنگی بوده و توسط نیروی دریایی هدایت و فرماندهی می‌شوند. در جنگ تحمیلی، نیز ایران با استدلال دفاع مشروع به اعمال زور در عرصه دریایا پرداخت. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عراق اقدام به تهاجم نظامی گسترده علیه ایران نمود. در مقابل در همان روز نیروی دریایی دولت ایران نیز با اعمال محدودیتهایی در خصوص آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و حمله به ناوگان دریایی عراق مطابق با ماده ۵۱ منشور به دفاع دریایی از خود پرداخت. در تعیین راهبرد قدرت دریایی توجه به دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد ضروری است. این حق به عنوان فرصتی برای دولت و نیروی دریایی کشور در اعمال قدرت دریایی خود در عرصه‌های جنگ دریایی و دریای آزاد برای تحمیل نظرات خود بر دشمن متخاصم تلقی می‌گردد.

1 - Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons

2 - Yoram, Dinstein

3 - David. Rezac

4 - anticipatory' self-defence

5 - M. C. Waxman

6 - Sean. D. Murphy

7 - Encyclopedia of public InternationalLaw

اعلام مناطق دریایی زمان جنگ^۱

حقوق نوین جنگ دریایی به متخصصان درگیر در مخاصمات مسلحانه دریایی اجازه می‌دهد که اقتدار خود را در کنترل و نظارت نواحی دریایی اعمال نمایند تا در تجارت دریایی بیطرف مداخله نموده و همچنین با یک طیف گسترده از اهداف که مستقیماً قدرت جنگی دشمن را تقویت می‌کنند درگیر شوند. این حقوق متخصصان، حقوق عمومی‌تر کشتیرانی موجود در معاهدات چند جانبه همچون کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را بی‌اثر می‌کند. مفهوم «مناطق»^۲ در قلمرو حقوق جنگ دریایی مفهومی نسبتاً جدید است اما به شدت بر مفاهیم پایدارتر نظیر حق منع تردد از ناحیه بلافصل عملیات دریایی و حق ایجاد یک محاصره متمرکز شده است. به رسمیت شناختن مناطق عملیاتی متخصصان یا مناطق ممنوعه بر این میراث متمرکز است (ژاکوز، ریچارد، ۲۰۱۳، ۴-۱).^۳

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دولت ایران یک منطقه جنگی را در خلیج فارس اعلام نمود که آبهای بین ساحل ایران و یک خط را که با ترسیم خطوط مستقیمی، تقریباً ۱۲ مایلی جنوب جزایر ابوموسی و سیری به جنوب فانوس دریایی کابل بانک^۴ و ۱۲ مایلی جنوب شرقی جزیره فارسی وصل می‌کرد، در برمی‌گرفت (نیروی دریایی ج.ا.ایران ۱۳۵۹). ایران هرگز این منطقه را به تنگه هرمز گسترش نداد. ایران با ایجاد این منطقه دو هدف متفاوت را دنبال می‌کرد. اولین هدف تأمین امنیت ایران و دومین هدف تضمین امنیت کشتیرانی بین‌المللی بود تا در منطقه جنگی متحمل خسارت نگردند (ممتاز و شریفی طرازکوهی، حقوق جنگ دریایی ۱۳۷۳).

اعلام ناحیه بلافصل عملیات دریایی متخصصان^۵:

حداقل از زمان جنگ روسی-ژاپنی، براساس حقوق بین‌الملل عرفی صلاحیت اجرای حق کنترل شیوه دسترسی کشتیها و هواناوهای بیطرف در یک ناحیه بلافصل عملیات برای متخصصان شناخته شده است (اشمیت، میخائیل، ۲۰۱۳، ۴-۱).^۶ ناحیه بلافصل عملیات دریایی ناحیه‌ای است که در آن مخاصمات انجام می‌پذیرد یا نیروهای متخصص در آن بطور واقعی درگیر عملیات هستند. در ناحیه بلافصل عملیات دریایی، برای مثال در مجاورت واحدهای نیروی دریایی، به منظور اطمینان از مدیریت مناسب میدان جنگ و به هدف دفاع از خود، هر یک از متخصصین می‌توانند محدودیتهای خاصی را بر فعالیتهای شناورها و هواناوهای بیطرف وضع کنند و می‌توانند توأمان شناورها و هواناوها را از ورود به این ناحیه منع نمایند. با این وجود هیچیک از متخصصین نمی‌توانند دسترسی به دولتهای بیطرف را منع کنند یا یک تنگه بین‌المللی را بر روی کشتیرانی بیطرف ببندند مگر این که مسیر دیگری به همان اندازه مناسب برای حمل و نقل بیطرف باز باشد (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، پاراگراف ۷-۸).^۷

اعلام مناطق عملیاتی دریایی متخصصان، و مناطق جنگی^۸:

هدف از برقراری چنین مناطقی طراحی ناحیه‌ای از آب و فضای فوقانی آن است که یک دولت می‌تواند کنترل و نظارت خود را برای دسترسی کشتیها و هواناوها به آن ناحیه اعمال نماید. قانونی بودن یک منطقه عملیاتی اعلام شده متخصص، بستگی به مطابقت آن با قواعد مربوط به انتخاب هدف، تناسب و معقول بودن در استقرار و اعمال چنین مناطقی دارد. یک منطقه عملیات دریایی متخصص از حق متخصص برای اعلام محاصره و همچنین از حق عرفی برای اعمال کنترل ضروری بر شناورها و هواناوها در ناحیه بلافصل عملیات دریایی متمایز است (اشمیت، میخائیل، ۲۰۱۳، ۴-۵، ۴-۶). منطقه عملیاتی متخصصان یک

1 - Wartime Zones

2 - zones

3 - Jaques, Richard

۴ - "Cable Bank Light" تخته سنگی است که بر روی آن چراغ دریایی نصب شده است.

5 - Immediate area of naval operations

6 - Schmitt, Michael

7 - The Commander's Handbook on The Law Of Naval Operations

8 - Exclusion zones" or "war zones

منطقه گسترده‌تری از منطقه بلافضل عملیاتی بوده و منطقه محاصره دریایی نیز ممکن است فراتر از محدوده منطقه جنگی باشد.

متون حقوقی جهان تأکید دارند که چنین منطقه عملیاتی متخاصم، یک منطقه آزاد آتش نیست (یورام، دینستین، ۲۰۰۴، ۱۰۷-۱۰۶). یک منطقه ممنوعه بطور قانونی فرصتی را به شناورهای بیطرف می‌دهد تا از این ناحیه دوری کنند، و به این ترتیب از حفاظت بهتر چنین شناورهایی اطمینان حاصل می‌شود. همچنین به متخاصمان این اجازه را می‌دهد که بطور دقیق‌تری به ارزیابی قصد و وضعیت نهایی یک شناور یا هواناو بیطرف بپردازند که وارد یک منطقه ممنوعه قانونی شده است (ژاکوز، ریچارد، ۲۰۱۳، ۴-۶). دستورالعمل سان رمو^۱ به صراحت فرض می‌کند که کشتیها یا هواناوهای فاقد مجوز، برای مقاصد متخاصمه آمیز در این ناحیه حضور دارند. این دستورالعمل معیارهای مناطق فوق را مشخص و به این شرح قابل اعمال می‌داند: ۱- قواعد حقوقی مشابهی چه در داخل و چه در خارج این منطقه اعمال می‌شود. ۲- گستره، مکان و طول مدت این منطقه و اقدامات تحمیلی در آن نباید نسبت به اصل تناسب فراتر رود. ۳- به حقوق دولت‌های بیطرف، باید توجه کرد. ۴- عبور ضروری ایمن از طریق این ناحیه برای شناورها و هواناوها باید فراهم گردد. ۵- آغاز، مدت زمان، محل و گستره منطقه و همچنین محدودیت‌های اعمال شده باید به صورت عمومی اعلام و به طور مناسبی اطلاع رسانی شوند (لوییس، دوسوالد بک، ۱۹۹۵، ۱۰۶).^۲ نقطه جنگی که ایران اعلام نمود با منطقه اعلام شده عراق متفاوت بود. در واقع عراق یک منطقه ممنوعه را مشخص کرد اما منطقه جنگی اعلامی ایران همانند منطقه ژاپن در جنگ با روسیه در سال ۱۹۰۴ بود که به منظور دور نگه داشتن کشتیرانی بین‌المللی از سواحل ژاپن بود. در صورت ورود کشتیها به این منطقه مورد بازرسی قرار گرفته و یا از این منطقه بیرون هدایت می‌شوند. ایجاد این منطقه به منظور رفع مسؤولیت ایران در ایجاد خسارت احتمالی جنگی به کشتیهای سایر کشورها بوده است و لزوماً به معنی هدف قرار دادن کشتیهای ناقض منطقه جنگی نمی‌باشد.

اعلام محاصره دریایی

بند (c) قطعنامه ۳۳۱۴ (XXIX) ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد، محاصره بنادر یا سواحل توسط یک کشور علیه سرزمین کشور دیگر را به عنوان یک عمل خصمانه تعریف کرده است (قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد، ۱۹۷۴).^۳ هدف یک محاصره توقف تجارت به دشمن یا از دشمن می‌باشد و بدون هرگونه ابهامی به محدود کردن تجارت دشمن مربوط می‌شود (اشمیت، میخاییل، ۱۹۹۱، ۲۲). محاصره به عنوان یک حق دولت متخاصم و یک شیوه نبرد، به دولت محاصره کننده این امکان را می‌دهد که حقوق زمان صلح در ارتباط با آزادی دریانوردی را معلق کرده و همچنین براساس اصل تمایز، هر کشتی و هواناوی که این محاصره را نقض کرده یا تلاش می‌کنند آن را نقض نمایند، توقیف کرده یا مورد هدف قرار دهند (ژاکوز، ریچارد، ۲۰۱۳، ۶۸). ماهان معتقد بود که محاصره یک سلاح بسیار مؤثری است که دشمن را به سرعت یا نهایتاً به زانو در می‌آورد (مکلنن، بروس کلارک، ۲۰۰۶، ۳۱).^۴ برخی مقررات مربوط به محاصره بیان می‌دارد که محاصره باید اطلاع رسانی شود. این اعلامیه باید آغاز، مدت، مکان و گستره محاصره و مدت زمانی که کشتیهای دول بیطرف می‌توانند سواحل محاصره شده را ترک کنند مشخص نماید و این محاصره باید مؤثر باشد. چنانچه بر مبنای دلایل منطقی باور بر این باشد که کشتیهای تجاری در حال نقض محاصره هستند می‌توان آنها را توقیف کرد و کشتیهای تجاری را که پس از دریافت اخطار، آشکارا در برابر توقیف شدن مقاومت می‌نمایند می‌توان مورد حمله قرار داد. یک محاصره نباید دسترسی به بنادر و سواحل دولتهای بیطرف را منع نماید. محاصره باید بدون تبعیض نسبت به کشتیهای همه کشورها اجرا گردد.

صدور اعلامیه یا برقراری محاصره در این موارد ممنوع است چنانچه: ۱- محاصره صرفاً به هدف گرسنگی کشاندن جمعیت غیرنظامی یا محروم کردن آنان از سایر چیزهای ضروری برای بقایشان باشد. ۲- آسیب وارده به جمعیت غیرنظامی نسبت به امتیازات محسوس و مستقیم مورد انتظار از محاصره، بیش از حد است یا انتظار می‌رود که بیش از حد باشد. اگر تأمین غذا و

1 - The San Remo Manual

2 - Louise, Doswald-Beck

3 - United Nations General Assembly resolution 3314 (XXIX) on act of aggression

4 - McLennan, Bruce Clark

سایر مایحتاج حیاتی، متناسب جمعیت غیرنظامی سرزمین محاصره شده نباشد طرف محاصره کننده باید عبور آزاد تدارکات مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی را فراهم نماید مشروط به: ۱- حق محاصره کننده در تجویز ترتیبات فنی از جمله بازرسی که تحت آن ترتیبات فنی چنین عبوری مجاز شمرده شده است. ۲- شرایطی که توزیع چنین تدارکاتی باید تحت نظارت ناظر محلی یک نیروی محافظ یا یک سازمان حقوق بشری که تضمین بیطرفی نماید همچون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صورت پذیرد. همچنین متخاصم محاصره کننده باید عبور تدارکات دارویی را برای جمعیت غیرنظامی یا مجروحان و بیماران عضو نیروهای مسلح اجازه دهد مشروط به حق محاصره کننده در تجویز ترتیبات فنی از جمله بازرسی که تحت آن ترتیبات فنی چنین عبوری مجاز شمرده شده است (لوییس، دوسوالد بک، ۱۹۹۴) (دستورالعمل سان رمو، ماده ۹۳-۱۰۴)^۱.

مهمترین نمونه‌های محاصره، محاصره سواحل کره شمالی در طول جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) توسط سازمان ملل و محاصره سواحل ویتنام جنوبی از مارس ۱۹۶۵ تا دسامبر ۱۹۷۲ توسط ایالات متحده آمریکا می‌باشد (وگو، میلان، ۲۰۰۹، ۱۵).^۲ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیروی دریایی ایران اعلام نمود که از دسترسی کشتیها به بنادر عراق جلوگیری خواهند کرد. این امر بدون تردید قطع ارتباطات دشمن با ساحل بود. ایران این محاصره را به اروند رود نیز توسعه داد. اگرچه متعاقب پذیرش پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو، تردیدهایی در مورد مشروعیت محاصره دریایی ابراز گردید اما دکتترین تقریباً به اتفاق آراء، محاصره دریایی را به عنوان نوعی از عمل خصمانه مطابق با حقوق جنگ نشأت گرفته از اعلامیه پاریس (۷ آوریل ۱۸۵۶) و تأکید شده توسط اعلامیه لندن (۲۶ فوریه ۱۹۰۹) مورد توجه قرار می‌دهد (ممتاز و شریفی طرازکوهی، حقوق جنگ دریایی ۱۳۷۳).

برقراری منطقه ممنوعه دریانوردی

جنگ دریایی می‌تواند در سرزمین خشکی، آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، آبهای مجمع‌الجزایری دولتهای متخاصم و در فضای فوقانی آنها انجام پذیرد (سند شماره B-GJ-005-104/FP-021 وزات دفاع کانادا، ۲۰۰۱، ۸۰۴).^۳ منطقه ممنوعه دریانوردی یک ناحیه نظامی، ممنوعه، منطقه جنگی یا عملیاتی در یک عرصه آبی و فضای فوقانی آن است که یکی از طرفین متخاصمه مسلحانه قصد اعمال کنترل خود را در آن داشته و دسترسی کشتیها و هواناوها بدون مجوز را به آن نمی‌پذیرد. چنانچه کشتیها و هواناوهایی بدون مجوز وارد منطقه ممنوعه شوند با ضمانت اجراهایی مواجه می‌گردند (موندیس، داریل. ای، ۲۰۰۸، ۵۱).^۴ اعلام منطقه ممنوعه دریانوردی به عنوان یکی از روشهای جنگ دریایی می‌تواند در دریای آزاد نیز صورت پذیرد. دولتی که به دنبال ایجاد یک منطقه ممنوعه دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی (بیطرف) است باید بین منطقه دریانوردی تحمیلی خود و حقوق دولت ساحلی در بهره‌برداری از منابع منطقه انحصاری اقتصادی تعادل برقرار نماید. قبل از ایجاد یک منطقه ممنوعه دریانوردی باید یک اختاریه متناسبی صادر گردد تا همه کشتیها فرصت کافی برای خروج از منطقه داشته باشند (موندیس، داریل. ای، ۲۰۰۸، ۳۸). مناطق ممنوعه هوایی، دریایی یا زمینی اغلب در عملیات صلح‌بانی مورد نیاز هستند. این مناطق معمولاً به هدف وادار کردن یک ملت یا گروهی از ملتها برای تغییر رفتارشان بکار می‌رود تا این که بجای مواجهه آنها با تداوم تحریمها یا فشارها، خواسته‌های نهاد تحریم کننده^۵ تأمین گردد. یک منطقه ممنوعه غالباً توسط سازمان ملل یا سایر نهادهای بین‌المللی تحمیل می‌شود اما هر کشوری نیز می‌تواند چنین مناطقی را وضع نماید. مثلاً نیروی دریایی ناتو به عنوان بخشی از عملیات صلح‌بانی در اجرای منطقه ممنوع پرواز^۶ طی جنگ بوسنی در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۵ مشارکت داشت (وگو، میلان، ۲۰۰۹، ۴۱). در آگوست ۱۹۸۲ دولت عراق نیز یک منطقه کلی ممنوعه دریایی را اطراف تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک اعلام کرد که بوسیله هواناوهای نظامی و مین‌های دریایی به اجرا درآمد (آندره، دی گاتری؛ ناتالینو، رونزیتی، ۱۹۹۳، ۶۱).^۷ در آغاز جنگ دهه ۱۹۸۰ میلادی ایران و

- 1 - The San Remo Manual
- 2 - Vego, Milan
- 3 - Canadian Manual
- 4 - Mundis, Daryl A.
- 5 - sanctioning body
- 6 - no-flight zone
- 7 - Andrea De Guttry; Natalino Ronzitti

عراق، دولت عراق قسمت شمالی خلیج فارس را به عنوان منطقه جنگی اعلام کرد (دابلیو. جی. فنریک، ۱۹۸۶، ۱۱۷-۱۱۸).^۱ البته این منطقه جنگی در واقع یک منطقه ممنوعه بود که به محض ورود یک کشتی به آن منطقه مورد حمله واقع می شد. عراق به تلافی محاصره دریایی خود یک منطقه ممنوعه را در شمال شرقی خلیج فارس برقرار کرد.

مین گذاری

اصولاً استفاده از مین‌های دریایی مشروع است، اما از آنجا که ممکن است چنین مین‌هایی به کشورهای بیطرف در جنگ نیز لطمه وارد آورد، لذا مقررات قراردادی در این زمینه وضع شده است (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۲۰۱). کنوانسیون هشتم لاهه مورخ ۱۹۰۷ مقرر می‌دارد:

۱- گذاردن و استفاده از مین‌های ثابت خودکار اصطکاکی مجاز است، مگر آن که پس از پاره شدن طناب اتصال، مین‌ها عمل نکرده و همچنان خطرناک باقی بمانند. ۲- هر یک از طرفین متخاصم می‌تواند نسبت به مین گذاری و استفاده از مین‌های مجاور در کلیه مناطق دریایی اعم از آبهای داخلی، دریای سرزمینی و منطقه مجاور یا نظارت دشمن و نیز دریای آزاد اقدام نماید. مشروط به این که قبلاً کشورهای غیرمتخاصم را از طریق اخطار دیپلماتیک در جریان گذارده باشد. ۳- کشورهای غیرمتخاصم یا بیطرف در جنگ می‌توانند سواحل خود را مین گذاری نمایند، به شرط آن که کشورهای دیگر را از مناطق مین گذاری شده آگاه سازند. ۴- متخاصمان باید کلیه تدابیر و احتیاط‌های لازم به منظور تأمین و تضمین دریانوردی مسالمت‌آمیز را به کار برند. از جمله اعلام مناطق خطر و تأسیس یک اداره راهنمایی کشتی‌ها و نیز مراقبت و نظارت بر میدانهای مین. ۵- معمولاً در عهدنامه‌های متارکه جنگ، کشور مغلوب متعهد به جمع‌آوری و خنثی نمودن مین‌های دریایی مناطق خود می‌شود (کنوانسیون هشتم لاهه، ۱۹۰۷).^۲ مثلاً در جنگ خلیج فارس، شورای امنیت ملل متحد، عراق را ملزم به این امر نمود. طرفین متخاصم در طول جنگهای جهانی اول و دوم، جنگ ایران و عراق همچنین جنگ خلیج فارس، و آمریکاییها در طول جنگ ویتنام و همچنین طی حمله نظامی به نیکاراگوئه بارها از مین‌های دریایی استفاده کردند. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۲۰۳-۲۰۲). بنابراین رویه عملی کشورها مبتنی بر بکارگیری و استفاده از انواع مختلف مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. از این روی در تعیین راهبرد قدرت دریایی در زمان جنگ، یکی از فرصتهای دولت استفاده از مین‌های دریایی مجاز در محدوده‌ها و عرصه‌های جنگ دریایی است مشروط بر این که قواعد بین‌المللی پیش گفته رعایت گردد.

حیله جنگی

حیله جنگی عملی است که هدفش واداشتن دشمن به اشتباه یا بی‌احتیاطی است. مبادرت به چنین اعمالی مجاز است، مشروط بر این که آن عمل ناقض مقررات حقوق بین‌الملل مخصوصاً مقررات مجرا در مخاصمات مسلحانه نبوده و از حسن نیت طرف به منظور برخورداری از حمایت پیش بینی شده در حقوق بین‌الملل سوء استفاده نشود. استتار، تله، عملیات نمایشی، ساختن تجهیزات و استحکامات مصنوعی از جمله حیله‌های جنگی محسوب می‌شوند. ماده ۲۴ مقررات منضم به عهدنامه چهارم ۱۹۰۷ لاهه و بند ۲ ماده ۳۷ پروتکل شماره یک ۱۹۷۷ ژنو از جمله مقرراتی است که مبادرت به حیله‌های جنگی را مجاز دانسته است (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۸۲). ساخت ماکت شناورهای نظامی، پرتاپ براده‌های آهن برای گمراه کردن موشکها، ساخت تله‌های انفجاری و .. در طول هشت سال دفاع مقدس از حیله‌های جنگی بود که مورد استفاده قرار گرفت.

جاسوسی^۳

جاسوسی در زمان جنگ کسب مخفیانه و پنهانی اطلاعات در منطقه عملیاتی یکی از متخاصمان، به منظور انتقال اطلاعات به طرف مقابل است (کنوانسیون چهارم لاهه، ۱۹۰۷ ماده ۲۹).^۴ هر یک از متخاصمان می‌تواند برای کسب اطلاع، از جاسوسی

1 - W. J. Fenrick
2 - Hague VIII 1907
3 - spy
4 - Hague IV 1907

استفاده کند، هرچند طرف مقابل نیز حق تعقیب، دستگیری و مجازات جاسوسان را خواهد داشت. البته در صورت دستگیری به وسیله دشمن به هیچ وجه حق برخورداری از رفتار مربوط به اسیران جنگی را ندارند (پروتکل شماره یک کنوانسیون ژنو، ۱۹۷۷، ماده (۱) ۴۶). جاسوسی در زمان جنگ را نمی‌توان دقیقاً شیوه خائنانه همچون خیانت جنگی تلقی نمود، زیرا این عمل از دید حقوق بین‌الملل به خصوص حقوق جنگ عملی مشروع محسوب می‌شود (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۸۴).

اولین عنصر تشکیل دهنده جاسوسی و «اختفاء» یا «پنهانکاری» است (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۸۴). از این رو طبق بند ۲ ماده ۲۹ کنوانسیون لاهه در زمینه قوانین و عرفهای جنگی و ماده ۴۶ پروتکل شماره یک، اشخاص زیر جاسوس محسوب نمی‌شوند و نباید با آنان رفتاری چون جاسوسان داشت: ۱- نظامیانی که برای تحقیق و گردآوری اطلاعات از وضعیت دشمن از خط دفاعی او عبور کرده و به منطقه عملیاتی وی وارد می‌شوند، مشروط بر این که تغییر لباس ندهند و در حین عملیات همان لباس نظامی خود را بر تن داشته باشند. ۲- نظامیان و غیرنظامیان که مأموریت اطلاعاتی خود را آشکارا انجام می‌دهند. ۳- نظامیانی که در یک سرزمین اشغالی ساکن بوده و مبادرت به گردآوری اطلاعات می‌نمایند و یا سعی در گردآوری اطلاعاتی دارند که متضمن منفعت نظامی برای دولت متبوعه و تحت اشغال خویش است. به شرطی که مأموریتش در حال اجرا مخفیانه نباشد. ۴- نظامیانی که در یک سرزمین اشغالی ساکن نیستند، اما در آنجا مبادرت به فعالیتهای جاسوسی می‌نمایند، جاسوس محسوب نمی‌شوند، مگر تنها در موردی که قبل از پیوستن به نیروهای مسلح خود دستگیر شوند (کنوانسیون چهارم لاهه، ۱۹۰۷، ماده (۲) ۲۹).

دومین عنصر مشخصه جاسوس، دستگیری جاسوس در منطقه عملیاتی کشور متخاصم است (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۸۵). اگر «جاسوس پس از انجام مأموریت، به نیروهای خود ملحق شود و بعدها توسط دشمن دستگیر گردد او را نمی‌توان مسؤول اقداماتی دانست که سابقاً مرتکب شده است (کنوانسیون چهارم لاهه، ۱۹۰۷، ماده ۳۱). در جاسوسی دریایی ملاک عمل کشتیها و هواناوها هستند نه خدمه آنها. جاسوسی در زمان مخاصمه مسلحانه نقض حقوق بین‌الملل نیست. به هر حال جاسوس دستگیر شده مستحق وضعیت اسرای جنگی نمی‌باشد. دولت دستگیر کننده جاسوس می‌تواند براساس حقوق کیفری داخلی خود وی را مجازات کند (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۱۲۸). زیرا جاسوسی از نظر قوانین داخلی هر کشوری یک عمل مجرمانه و قابل مجازات است (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۸۵). همانگونه که رزمندگان در جنگ دریایی کشتیها و زیردریاییهای جنگی هستند جاسوسان دریایی هم تابع همین قاعده هستند. زیردریاییهای کوچکی که کمتر قابل شناسایی و ردیابی هستند و به میزان قابل توجهی در نیروی دریایی ایران بکار گرفته می‌شوند می‌توانند عمل جاسوسی و شناسایی را به نحو بسیار خوبی به انجام برسانند.

بمباران دریایی^۲

اصطلاح بمباران به بمباران دریایی و هوایی اهداف زمینی دشمن با سلاحهای متعارف (معاهده‌ای)^۳ از جمله سلاحهای دریایی، راکتها و موشکها و تسلیحات هواپایه اشاره دارد. در این خصوص قواعد کنوانسیون نهم ۱۹۰۷ لاهه مربوط به بمباران توسط نیروهای دریایی در زمان جنگ حاکم است. این قواعد با رویه عرفی در جنگهای جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام، مناقشه فالکلند/مالویناس، عملیات سپر صحرا/طوفان صحرا^۴ و آزادی پایدار^۵ و آزادسازی عراق توسعه بیشتری یافته است (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۸، ۹). کنوانسیون نهم ۱۹۰۷ لاهه در دو مورد بمباران دریایی را مجاز می‌دارد: الف) بمباران استحکامات و تأسیسات و ملزومات نظامی و کشتیهای جنگی واقع در بنادر ب) بمباران در مواردی که مقامات محلی از تحویل آذوقه و تدارکات لازم جهت نیروی دریایی دشمن خودداری می‌کنند، البته آن هم پس از یک اخطار رسمی و صریح^۶. این عمل در

1 - Protocol (I) Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949

2 - bombardment by naval forces

3- conventional weapons

4 - DESERT SHIELD/DESERT STORM

5 - ENDURING FREEDOM

6 - Warning Before Bombardment

صورتی مشروع است که امکان تهیه آذوقه و تدارکات در محل موجود باشد. به علاوه نیروی دریایی دشمن در صورت تحویل گرفتن آذوقه و تدارکات باید بهای آن را نقداً بپردازد (کنوانسیون نهم لاهه، ۱۹۰۷، ماده ۳).^۱

هر گاه وضعیت نظامی بمباران را اقتضا کند، فرماندهان باید به نحو منطقی تلاش نمایند تا بمباران را به جمعیت غیرنظامی ساکن در نزدیکی تقریبی اهداف نظامی مورد بمباران اطلاع رسانی کنند و چنانچه غیرنظامیان از حمله نظامی تأثیری نمی‌پذیرند نیازی به صدور چنین اخطاریه‌هایی نیست (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۸، ۹، ۲). این که نیروی دریایی کشورمان نیز با رعایت مقررات کنوانسیون نهم لاهه در موارد لزوم می‌تواند از این حق خود استفاده کرده به اعمال زور و قدرت از دریا بپردازد.

بازدید و بازرسی^۲

هدف کلی جنگ دریایی ممنوعیت استفاده از دریا و کنترل دریایی دشمن است. روشهای ضروری کنترل دریایی فقط بر طرفهای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تأثیر ندارد بلکه بر دولتهایی که بیطرف هستند یا دولتهایی که طرف مخاصمه نیستند نیز تأثیرگذار است (دیتر، فلک، ۱۹۹۵، ۴۰۵).^۲ قواعد معینی وضع شده‌اند که به متخاصمان اجازه دخالت در کشتیرانی تجاری را در دریای آزاد نیز می‌دهد. حقوق حاکم بر جنگ اقتصادی در دریا ریشه در اعلامیه سال ۱۸۵۶ پاریس دارد. به عنوان یک نتیجه از سبک و سنگین کردنها بین منافع متخاصمان و دولتهای بیطرف، مفهوم قاچاق^۴ (کنتراباند) توسعه یافت و تشخیص بین اموال دشمن و اموال بیطرف موجب گردید تا حق بازدید و بازرسی نیز ایجاد گردد. بازدید و بازرسی به متخاصمان این جواز را می‌دهد که همه کشتیهای تجاری اعم از بیطرف و دشمن را متوقف کرده و بازرسی نمایند و حتی در صورت ضرورت مسیر آنها را به بندر خود تغییر دهند (موندیس، داریل. ای، ۲۰۰۸، ۲۱۹). کشتیهای جنگی را نمی‌توان بازدید و بازرسی نمود. کشتیهای حاکمیتی غیرتجاری بیطرف نیز می‌توانند تابع بازدید و بازرسی نباشند. کشتیهای تجاری بیطرف تحت اسکورت کشتیهای جنگی همان کشور بیطرف نیز از بازدید و بازرسی مستثنی هستند. ممنوعیت بازدید و بازرسی در دریای سرزمینی کشور بیطرف، به تنگه‌های بین‌المللی که از دریای سرزمینی دو کشور بیطرف تشکیل شده و همچنین به آبهای مجمع‌الجزایری شامل خطوط دریایی مجمع‌الجزایری نیز گسترش می‌یابد. کشتیهای تجاری یا هواناوهای غیرنظامی که در برابر بازدید و بازرسی مقاومت می‌کنند را می‌توان به زور متوقف کرد و چنین کشتیهایی خطر ناشی از ایجاد خسارت را به جان می‌خرند. حق بازدید و بازرسی برای هواناوهای نظامی هم وجود دارد اما رویه بین‌المللی جاافتاده‌ای در خصوص چگونگی اجرای این حقوق وجود ندارد. معمولاً بازدید و بازرسی یک کشتی توسط یک هواناو یا هدایت یا اسکورت این کشتی به سمت کشتی جنگی متخاصم است که بازدید و بازرسی را انجام خواهد داد یا هدایت و اسکورت به سمت بندر متخاصم خواهد بود (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، پاراگراف ۷، ۶ - ۷، ۶، ۱ - ۷، ۶، ۲).

در جنگ تحمیلی، نیروی دریایی ایران با توجه به حجم تناژ تخلیه و بارگیری بنادر کویت مشکوک به قاچاق کالاهای عراق توسط کشتیهای به مقصد کویت شد. از این رو به بازرسی کشتیهای به مقصد کویت توجه بیشتری نشان داده و در ۲ ژوئن ۱۹۸۵ کشتی المحرق را که تحت پرچم کویت و به مقصد آن کشور در حرکت بود مورد بازرسی قرار داده و ۵ تن از اموالی را که آشکارا به مقصد عراق بود توقیف نمود. این عملکرد مطابق حقوق بین‌الملل و مطابق قانون ایران صورت پذیرفت.

اعلام فهرست کالاهای قاچاق^۵ (کنتراباند) در زمان جنگ

کالای قاچاق کالایی است که به مقصد دشمن یکی از متخاصمان حمل می‌شود و مستعد استفاده در مخاصمه مسلحانه است. کالای قاچاق بطور سنتی به دو دسته تقسیم می‌شود: مطلق و مشروط. کالای قاچاق مطلق^۱ ویژگی کالاهایی است که برای

1 - Hague IX 1907

2 - visit and search

3 - Dieter, Fleck ed

4 - The notion of contraband

۵ - Contraband

استفاده در مخاصمه مسلحانه حمل می‌گردند همچون مهمات، سلاحها، یونیفرمها و از این قبیل کالاها. کالای قاچاق مشروط^۲ کالایی است که بطور برابر قابلیت استفاده در مصارف صلح‌آمیز و جنگی دارد همچون خواربار، مواد ساختمانی و سوخت. متخاصمان در آغاز مخاصمات می‌توانند فهرست کالاهای قاچاق مطلق یا مشروط را به اطلاع دولتهای بیطرف برسانند همانگونه که فهرست کالاهایی را که بطور کلی غیرقاچاق هستند را اعلام می‌نمایند. ماهیت جامع کالای قاچاق متخاصمان ممکن است متناسب با شرایط مخاصمه تغییر کند (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۷، ۴، ۱).

کالاهای معینی از توقیف به عنوان کالای قاچاق مستثنی هستند حتی اگر به مقصد سرزمین دشمن حمل شوند. به عبارتی این کالاها، کالاهای مجاز هستند همانند: ۱- موادی که منحصرأً به قصد درمان افراد مجروح و بیمار نیروهای مسلح و پیشگیری از بیماریها بکار می‌روند. ۲- دلایل جدی بر این باور که کالاهای پزشکی و بیمارستانی، مذهبی، پوشاک، رختخواب، خواربار اساسی و بطور کلی وسایل حفاظت از جمعیت غیرنظامی بویژه زنان و کودکان، برای مقاصد دیگری تحویل خواهند شد وجود ندارد یا دلیلی بر این که چنین کالاهایی یک مزیت نظامی معینی برای دشمن ایجاد خواهد کرد وجود ندارد. ۳- موارد طراحی شده برای اسرای جنگی^۳، از جمله امانات پستی انفرادی و محموله‌های کمکهای جمعی شامل غذا، پوشاک، لوازم پزشکی، اشیاء مذهبی و مواد آموزشی، فرهنگی و ورزشی. ۴- کالاهایی که به سایر روشها بطور ویژه از طریق معاهده بین‌المللی یا بواسطه ترتیبات ویژه ای بین متخاصمان از توقیف مستثنی شدند. مرسوم است که دولتهای بیطرف برای طرفین متخاصمین اطلاعاتی را در خصوص محموله‌ها فراهم نمایند تا مجوز سفر و ورود ایمن آنها را به سرزمین متخاصم یا تحت اشغال وی کسب کنند (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۷، ۴، ۱، ۱). در این رابطه می‌توان گواهینامه حمل غیرقاچاق صادر کرد. یک گواهینامه حمل غیرقاچاق سندی است که توسط کنسول یک متخاصم یا سایر اسناد رسمی مربوطه برای یک شناور بیطرف یا هواناو بیطرف صادر شده است و مؤید این است که این محموله معمولاً در اولین مکان عزیمت مورد بازرسی قرار گرفته است و مصداق عاری از کالای قاچاق می‌یابد (هندبوک فرماندهان، ۲۰۱۷، ۷، ۴، ۲). کالاهای قاچاق اگر به مقصد سرزمین یا مکانهای تحت اشغال دشمن حمل شود در هر مکانی و رای سرزمین بیطرف در معرض توقیف هستند.

مجلس شورای اسلامی ایران در ۱۱ بهمن ۱۳۶۶ قانون نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی را تصویب نمود. بر اساس این قانون دو دسته کالاها را (به عنوان کالای ممنوعه و قاچاق) می‌توان به غنیمت گرفت. ۱- کالاهای به مقصد دشمن ۲- کالاهایی که به توان رزمی دشمن کمک می‌کنند (ممتاز و شریفی طراز کوهی، حقوق جنگ دریایی ۱۳۷۳). نیروی دریایی ایران در زمان جنگ از این امکان در مواردی استفاده نمود.

در هر حال در زمان جنگ یک کشور متخاصم حق دارد فهرستی از کالاها به مقصد دشمن را به عنوان کالای قاچاق معرفی کرده نسبت به کنترل کشتی‌ها و هواناوهای دیگر کشورها در جلوگیری از قاچاق به اعمال قدرت دریایی بپردازد.

حق ضبط و تصرف کشتی

حق ضبط و تصرف در قلمرو جنگ دریایی در اعلامیه ۱۹۰۹ لندن به رسمیت شناخته شده است. این حق شامل حق تصرف کشتی تجاری دشمن و ضبط و مصادره کالاهای محموله در آنهاست. حق ضبط و تصرف با سابقه‌ای بسیار زیاد بر هدفهای خاص جنگ دریایی زیر مبتنی است: کنترل راههای دریایی مواصلاتی به منظور منزوی ساختن قلمرو دشمن، محروم کردن وسایل استمرار جنگ زمینی با انهدام تجارت دریایی دشمن با بیگانگان. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰، ۱۰۵-۱۰۶). مطابق ماده ۴۰ اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در صورتی که ارزش، وزن حجم یا کرایه کالای قاچاق بیش از نصف محموله کشتی باشد آن کشتی نیز مصادره می‌شود. اما براساس قانون پیش گفته ایران، چنین تفاوتی لحاظ نشده و کشتیهای حامل کالای قاچاق را بطور کلی قابل تصرف می‌داند. تنها کشتی ابن البیتار تحت پرچم کویت که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵ بوسیله نیروی دریایی ایران توقیف شد،

۱ - Absolute contraband

۲ - Conditional contraband

۳ - prisoners of war (POWs)

به علت ظن جدی دایر بر تعلق کشتی مزبور به دشمن اجازه ادامه مسیر داده نشد و در توقیف ایران قرار گرفت که نهایتاً مورد حمله هوایی عراق قرار گرفته و غرق شد (ممتاز و شریفی طرازکوهی، حقوق جنگ دریایی ۱۳۷۳)

تغییر شکل کشتیهای تجاری به جنگی

طبق مقررات عهدنامه هفتم لاهه، تغییر شکل کشتیهای تجاری به جنگی، تابع مجموعه شرایطی است که مستلزم وابستگی قطعی و مسلم کشتی تجاری به جنگی می‌باشد. به بیان دیگر با تغییر شکل، کشتی تجاری در زمره کشتیهای جنگی قلمداد شده و از نظر حقوقی خصیصه کشتی دولتی را می‌یابد. شرایط مذکور عبارتند از: ۱- کنترل کشور متخاصم، یعنی کشتی تجاری تغییر شکل یافته به جنگی، باید تحت اقتدار و کنترل بلاواسطه و مسؤولیت کشوری باشد که حامل پرچم اوست. در نتیجه حمل پرچم به عنوان علامت خارجی مشخص آن کشتی لازم است. ۲- فرماندهی آن کشتی باید از افسران کادر ثابت کشتی صاحب پرچم باشد. ۳- خدمه آن کشتی باید از قواعد انضباطی نظامی کشور صاحب پرچم پیروی کنند. ۴- کشتی مزبور باید در فهرست کشتیهای ناوگان نظامی یک کشور ثبت شود. ۵- آن کشتی باید قوانین و مقررات جنگی را رعایت کند (کنوانسیون هفتم لاهه، ۱۹۰۷)^۱. در صورت فقدان شرایط مذکور، کشتی تغییر شکل یافته را می‌توان به عنوان دزد دریایی مورد تعقیب و تیراندازی قرار داد. آنچه مسلم است این است که تغییر شکل در بنادر و دریای سرزمینی کشورهای متخاصم مجاز بوده و در بنادر و دریای سرزمینی کشورهای بیطرف ممنوع است (کنوانسیون سیزدهم لاهه، ۱۹۰۷، ماده ۸)^۲. اما موضوع تغییر شکل در دریای آزاد به دلیل اختلاف نظر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس به نتیجه ای منجر نشد. با این حال چنین به نظر می‌رسد که با قبول اصل آزادی دریای آزاد، مشروعیت تغییر شکل در دریای آزاد پذیرفته شده و این همان رویه‌ای است که کشورهای متخاصم در طول دو جنگ جهانی در پیش گرفته‌اند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ۱۰۷). نیروی دریایی ایران نیز از این امکان استفاده کرده و ناو حمزه را که سابقاً یک کشتی تجاری بوده را در فهرست کشتیهای جنگی ایران وارد کرده و رنگ و علائم آن را تغییر داده و تحت فرماندهی افسران نیروی دریایی قرار داده است.

نتیجه‌گیری

کاربرد زور در روابط بین کشورها در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منع شده است. اما منع کاربرد زور مطلقاً نبوده و استثنائاتی بر آن وارد است. این استثنائات را می‌توان در دسته استثنائات منشوری و استثنائات غیرمنشوری مشاهده کرد. استثنائات منشوری شامل دفاع مشروع فردی و دسته جمعی، اختیارات شواری امنیت در اعمال زور در حفظ و اعاده صلح، و حق نهضت‌های آزادی‌بخش ملی در کاربرد "کلیه امکانات ضروری" و توسل به معاضدت بین‌المللی جهت مبارزه مشروع‌شان علیه استعمار و رژیم‌های نژادپرست یا اشغال بیگانه می‌باشد. استثنائات غیرمنشوری نیز در مورد حق مداخله یک دولت برای حمایت از اتباع خود در یک کشور دیگر، و حق مداخله بشردوستانه یک دولت خارجی برای حمایت از اتباع یک کشور دیگر تحت عنوان مسؤولیت حمایت، مبارزه علیه تروریسم، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی نمود پیدا می‌کند. این استدلال بیانگر این است که جنگ نیز دارای قواعدی است و علیرغم ممنوعیت تجاوز و جنگ، در صورت دفاع مشروع امکان اعمال زور توسط نیروی دریایی وجود خواهد داشت و چنین امکان و فرصتهایی را حقوق بین‌الملل مشخص کرده است. از این رو فرض ما به اثبات می‌رسد که حقوق بین‌الملل فرصتهایی برای اعمال زور توسط نیروی دریایی در زمان جنگ ارائه می‌دهد. عدم آگاهی از این فرصتها می‌تواند به حقوق کشور در حوزه قدرت دریایی لطمه وارد آورد. بدین سبب آموزش این فرصتها به افرادی که می‌توانند در تدوین راهبرد قدرت دریایی ج.ا.ایران مؤثر باشند ضروری است. این فرصتها مواردی همچون اعلام مناطق جنگی دریایی، محاصره دریایی، بمباران دریایی و ... را دربرمی‌گیرند. دفاع مشروع، اعلام مناطق جنگی (ناحیه بلافصل عملیات دریایی متخاصمان، مناطق عملیاتی متخاصمان، مناطق جنگی، اعلام محاصره دریایی)، برقراری منطقه ممنوعه دریانوردی، اعلام مناطق دفاعی و امنیتی در دریای آزاد و خارج دریای سرزمینی، اعلام مناطق ایمنی، خود یاری، مین گذاری، حمله جنگی، جاسوسی، بمباران دریایی، تعیین کالای قاچاق، بازدید و بازرسی، حق ضبط و تصرف، و تغییر شکل کشتیهای تجاری

۱ - Hague(VII) 1907

۲ - Hague(XIII) 1907

به جنگی با شرایط خاص آن می‌باشند که می‌توانند به عنوان فرصت‌های تعیین راهبرد قدرت دریایی از منظر اعمال مجاز نیروی دریایی در زمان جنگ مورد توجه کشورها قرار گیرند.

منابع

- ابراهیمی، سید نصر الله. (پاییز ۱۳۸۲)، تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل مجله حکومت اسلامی، سال هشتم (مجلس خبرگان رهبری) ۳، شماره ۲۹، تهران.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی، مشهد.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران. تهران
- شفیعی، محمد. (۱۳۷۵). بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی، شماره ۲۰، تهران
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۰)، حقوق جنگ. چاپ دوم. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- لطیفیان، سعیده. (۱۳۸۷)، استراتژی و روش‌های برنامه ریزی استراتژیک. انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
- ممتاز، جمشید، و حسین شریفی طرازکوهی. (تابستان ۱۳۷۳)، حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره دوره ۳۲ شماره پیاپی ۱۱۴۴، ۱-۲۴، تهران
- ممتاز، جمشید، و صابری انصاری، بهزاد. (تابستان ۱۳۹۱)، تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور، فصلنامه راهبرد سال بیست و یکم، شماره شماره ۶۳: ۱۷۵-۲۰۴، تهران.
- نیروی دریایی ج.ا.ایران، (۲۵ آبان ۱۳۵۹)، اطلاعیه شماره ۲۹/۲۲ به دریانوردان.
- Andrea De Guttry, and Natalino Ronzitti. 1993, *The IRAN-IRAQ War (1980–1988) and The Law Of Naval Warfare*.
- Canadian Code, (2001), *Law of Armed Conflict at the Operational and Tactical Levels, B-GJ-005-104/FP-021*. Canadian National Defence.
- Corbett, Sir Julian. (1988), *Some Principles of Maritime Strategy*. Edited by Eric Grove, Annapolis: Naval Institute Press.
- Dieter, Fleck Ed. (1995), *The Handbook of Humanitarian Law of Armed Conflicts*.
- Dinstein, Yoram, (1982), *Use of Force, War and Neutrality, peace Treaties*, Encyclopedia of public International Law, Vol. 4. North Holland publishing Co.
- Dinstein, Yoram. (2004) *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*. Cambridge University Press.
- Dinstein, Yoram. (2012) *War, aggression, and self-defence*, 5th ed. 5. Cambridge & New York: Cambridge University Press, United Kingdom.
- Doswald-Beck, Louise. (1995), *The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea*.
- General Assembly, (2005) Resolution (A/60/L.1), *World Summit Outcome*, 60/1.2005.UN.
- General Assembly, (December 14, 1974) Resolution 3314 (XXIX) on act of aggression, UN.
- Hague Convention (IV) (1907) *Respecting the Laws and Customs of War on Land (Annexed to Hague Convention (II) of 1899 and (IV) of 1907*.
- Hague Convention (IX) (1907) *Concerning Bombardment by Naval Forces in Time of War*.
- Hague Convention (VII) (October 18, 1907) *relating to the Conversion of Merchant Ships into War-Ships*.
- Hague Convention (VIII) (1907) *Relative to the Laying of Automatic Submarine Contact Mines*.
- Hague Convention (XIII) (1907) *Concerning the Rights and Duties of Neutral Powers in Naval War*.
- I. C.J. (July 8, 1996) *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, Reports*.
- ICJ, (1996), *Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*. ICJ Rep.
- Iliopoulos, Ilias. (2009) *Strategy and Geopolitics of Sea Power throughout History, Baltic Security & Defence Review*.
- Jaques, Richard, ed. (December 2013) *MARITIME OPERATIONAL ZONES*, Naval War College.
- Louise, Doswald-Beck, ed. (June 12, 1994) *San Remo Manual on International Law applicable to Armed Conflicts at Sea*, Cambridge University Press.
- M. C. Waxman. (2009) *The Use of Force against States that Might Have Weapons of Mass Destruction*, 31 Mich.JIL 1, 7.
- McLennan, Bruce Clark. (2006) *Contemporary maritime pressures and their implications for naval force structure planning*. Wollongong: university of Wollongong.
- Merriam Webster's collegiate dictionary. (2004) 11th edition. Library of congress, USA.
- Mundis, Daryl A. (May 2008) *The Law of Naval Exclusion Zones*, A Thesis Submitted for the Degree of. University of London.

- NWP 1-14M, (August 2017) The Commander's Handbook on The Law Of Naval Operations, Navy Warfare Publications Library, USA.
- Protocol (I) (1977) Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts.
- Rezac, David. (7 April 2002), President Bush's Security Strategy and Its Pre-Emptive Strikes Doctrine – A Legal Basis for the War against Iraq? Austrian Review of International & European law, Austria.
- Schmitt, Michael N. (1991) Aerial Blockades in Historical, Legal, and Practical Perspective. United States Air Force Academy Journal Of Legal Studies, USA.
- Schmitt, Michael. (2013) Maritime Operational Zones, Rhode Island: Naval War College, USA.
- SCHRIJVER, Nico. (2005) La Charte des Nations unies Commentaire article par article Sous la direction de Jean- Pierre COT Alain PELLET. Economica.
- Sean. D. Murphy. (2005) The Doctrine of Preemptive Self-Defense, Villanova Law Review, Vol. 50, Iss. 3 [2005], Art. 9 50 Vill.LR 699, Villanova University, USA.
- The UN Secretary General. (3 April 2000) We the Peoples: The Role of the UN in the 21st Century, Delivered to the UN General Assembly, UN.
- Treaty of Pelindaba (April 11, 1996), African Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty.
- Treaty of Rarotonga (August 6, 1985) South Pacific Nuclear Free Zone Treaty, 24 ILM 1442.
- Treaty of Tlateloco (February 14, 1967) Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America.
- U.N. (1945) Charter.
- UN Secretary General. (21 March 2005) In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All. Delivered to the UN General Assembly, UN.
- UN, (Dec. 2, 2004), A More Secure World: Our Shared Responsibility, UN Doc A/59/565
- United Nations Convention on the Law of the Sea. (1982) Montegobay.
- Vego, Milan. (2009) Operational Warfare at Sea Theory and practice. London & New York: Routledge.
- W. J. Fenrick. (1986) The Exclusion Zone Device in the Law of Naval Warfare, Ottawa, Canada.
- Xiaoyan, Wu. (2014) China's Sea Power Nation Strategy, Västra Finnbodavägen 2, 131 30 Stockholm-Nacka, Sweden: Asia Papers Series, Institute for Security and Development Policy, Singapore.